

ارزشمندی حیا و عفاف جنسی در زندگی دختران و زنان



نوع روابط مثبت و منفی و ارزش‌هایی که هر فرد در قبال غریزه جنسی باید رعایت کند، در دین اسلام به خوبی ترسیم شده است. تدابیری که برای مهار و کنترل این غریزه از زمان فعالیت جنسی لازم است تا فرد را به سلامت از انحرافات و آسیب‌ها برهاند و او را در مسیر تکامل فردی و اجتماعی هدایت کند، جای بسی تأمل و بررسی دارد. از جمله این تدابیر به «حیای جنسی» و «عفت ورزی» می‌توان اشاره کرد.

حیا، به معنای احساس شرم و خجالتی است که موجب خودداری از ارتکاب عمل زشت می‌شود و منشأ آن، درک حضور در برابر موجودی گران‌مایه و ارزشمند است. بدین سبب است که حیا با دین ورزی ارتباطی تنگاتنگ و دوطرفه‌ای دارد. در روایت‌های اسلامی تأکید شده است: «الحیاء من الایمان؛ حیا از ایمان است.» و کسی که حیا ندارد در حقیقت دین ندارد. آنچه باعث می‌شود آدمی به این صفت سازنده و مثبت گرایش یابد، ایمان و بهره‌مندی از نیروی تشخیص عقلانی است. ایمان و حیا موجب می‌شود، شخص در ارتباط با جنس مخالف، از آلودگی به گناه مصونیت یابد و اعتبار خود را به عنوان گوهری گران‌بها حفظ کند. خاصه برای زن؛ چرا که مأموریتی که در خلقت به او داده شده، آن است که با پرداختن به زیبایی و لطف و با خودداری و بی‌نیازی ظریفانه، دل خشن مرد را هر چه بیشتر به سوی خویش بکشانند و او را از مجرای احساس قلب خویش، به همراهی بطلبند.

یکی از فلاسفه غربی می‌نویسد:

شرم رویی، نوعی عقب‌نشینی مدبرانه است که از ترس و پاکی می‌زاید. مرد پخته، امتناع و خودداری ظریفانه زن را دوست دارد. بی‌حیایی موقتا حواس را به خود جلب می‌کند، ولی به سختی ممکن است روح را نیز جلب کند. هر چه ساخته

زن زیبا و در دسترس مردان قرار گیرد، برای مرد عادی جذاب، دلفریب و موفقی خواهد بود. پس، حیا از دلفریبی‌های لطیف زن است که ارزش او را بالا می‌برد.

راز خواستگاری مرد از زن

حیا و خودداری زن، راز خواستگاری مرد از اوست. در قاموس خلقت، خداوند مرد را خواهان و زن را خوانده،

مرد را طالب و زن را مطلوب قرار داده است. فطرت مرد، طلب و نیاز است و فطرت زن، جلوه و ناز. اینجاست که کلام علی علیه السلام معنای خود را می‌یابد که: «حیا وسیله رسیدن به خوبی است.» حیای دختر موجب

عزتمندی و جلب اعتماد و محبت مردان می‌شود و مقدمات ازدواج سالم‌تری را فراهم می‌سازد. چنان‌که یکی از دانشمندان گفته است:

مرد جوان به دنبال چشمان پر از حیا است و بی‌آن‌که بداند، حس می‌کند که این خودداری، از لطف و رقت عالی خبر می‌دهد. حیا، پاداش‌های خود را پسانداز می‌کند و در نتیجه، نیرو و شجاعت مرد را بالا می‌برد و او را برای اقدامات مهم آماده می‌کند.

به تعبیر امیرالمؤمنین علی علیه السلام: «حیا به عنوان خصلت نفسانی مثبت، از درونی با نجابت حکایت می‌کند.» از این‌رو، آن حضرت، عفت را ثمره و نتیجه آن دانسته‌اند. عفت در واقع، به حیای جنسی، جلوه‌های عملی می‌بخشد و آدمی را در حیطه‌ای از تعاملات و رفتارهای مثبت و به دور از آلودگی و گناه قرار می‌دهد. از همین روست که نیروی کنترل‌کننده درونی آدمی، هنگام ارتباط با جنس مخالف فعال می‌شود و زن در جایگاه گوهری ارزشمند قرار می‌گیرد که حیای وی موجب جلب مرد به سوی او می‌شود و زن، خلاف فطرت خویش می‌داند که به خواستگاری مردان رود و خود را از الهه عشق بودن تنزل دهد؛ تا حدی که حتی جواب منفی بشنود و سرخورده و بی‌ارزش شود.

آثار حیای جنسی

پی‌آمدهای مثبت و سازنده حیای جنسی بسیار فراوان است که مهم‌ترین آن، دوری از گناه است. حیا موجب دوری آدمی از

ارتکاب زشتی و آلوده شدن به پلیدی‌های اخلاقی و جنسی است. گفته‌اند: زنی به مردی پاکدل تمایل داشت، اما با او صحبت و به او اظهار تمایل نمی‌کرد. مرد درمانده شد. از این‌رو، روزی او را به کوچه شلوغی وعده داد. زن چون پیامد، گفت: ای وای، اینجا؟! مرد گفت: آری، آن‌که اینجا ما را می‌بیند، در خلوت هم می‌بیند. تن زن

بلرزید و منزجر شد و توبه کرد. آری، کسی که خود را در محضر ربوبی ناظری محترم و آگاه، چون حق‌تعالی بداند، چگونه می‌تواند خلاف خواست مهربانی چون او، پرده حیا بدرد و تمنای نفس دَمَنَش را پاسخ مثبت گوید؟ از سوی دیگر، روح آدمی از آلودگی به گناه و معاصی، منزجر و متنفر است. با انجام دادن عملی زشت، وجدان بیدارش او را ملامت می‌کند و تا توبه و برگشتی صورت نگیرد، آرامش خویش را باز نمی‌یابد.

عفت و غریزه جنسی

قرآن کریم درباره عفت ورزی می‌فرماید: «کسی که نمی‌تواند ازدواج کند، باید عفت ورزد تا خداوند او را از فضل خویش بی‌نیاز کند.» (نور: ۳۳)

منظور از عفت و پاکدامنی، کناره‌گیری از آلودگی‌های جنسی چه در عمل و چه در فکر است. نفس عقیف آن است که نه تنها عملاً خویشتن‌دار است و مرتکب حرام و خلاف نمی‌شود، بلکه از نظر فکری آنچنان خود را سامان داده است که افکار مخرب در درونش ریشه نمی‌دواند.

ارزش عفت در اسلام

حضرت علی علیه السلام ارزشمندترین عبادت را عفت ورزی می‌داند و عفت و پاکدامنی را شیوه زیرکان، شرافتمندان و تقوای پیشه‌گان برمی‌شمرد. عفت؛ نشانه عقل، زکات زیبایی، غنای باطنی و رشد شخصیت (نساء: ۶)، بهترین یاور و همراه و غیرتمندی مرد دانسته شده است.

عفت برای مرد یا زن؟

این‌که کدام یک از مرد یا زن با این ویژگی بیشتر مأنوس‌ترند نیز کلامی در خور بحث است. قرآن کریم سرگذشت عقیفانه حضرت یوسف علیه السلام و حضرت مریم علیها السلام را در این باره به تصویر می‌کشد. هر دو بزرگوار در این مورد امتحان شدند و در پرتو عفاف و پاکدامنی نجات

یافتند و سرافراز از امتحان الهی بیرون آمدند؛ ولی واکنش آنان متفاوت بیان شده است:

درباره حضرت یوسف علیه السلام، عدم اهتمام، فکر، قصه و خیال خلاف را مطرح می‌سازد و می‌گوید: آن زن قصد او کرد و او نیز اگر برهان پروردگار را ندیده بود، آهنگ او می‌کرد. (یوسف: ۲۴)

خداوند متعال حضرت یوسف علیه السلام را فردی معصوم یاد می‌کند که نه فقط به طرف گناه نرفت، بلکه بدی و پلیدی از او دور شد. (یوسف: ۲۴) ولی درباره حضرت مریم علیها السلام، از لحاظ عقیف بودن چیزی فراتر از

حضرت یوسف می‌گوید:

سخن این نیست که اگر مریم علیها السلام دلیل الهی را مشاهده نمی‌کرد، مایل بود، بلکه حضرت مریم علیها السلام

در مقام نهی از منکر، به فرشته‌ای که به شکل مردی به حضور او آمده بود، لب می‌گشاید و می‌گوید: اگر تو باتقوا هستی، دست به این کار نزن. «من به خدای رحمان پناه می‌برم اگر تو پرهیزگاری. (مریم: ۱۷)

زیبایی‌های عفت و پاکدامنی چگونه جلوه می‌کند؟

۱. دریافت فضل و محبت خدا

خداوند متعال به انسان‌های عقیف وعده داده است که آنها را از فضل خویش بهره‌مند سازد. صورت‌های گوناگون از رحمت خدا را در زندگی عقیفانه بزرگان دیده‌ایم. از جمله، مهیا شدن زمینه ازدواجی سالم، عاشقانه و بادوام، آنچنان که پس از دوران صبرورزی یوسف در برابر گناه، دوباره زلیخا برایش جوان شد و وصال شیرین را پس از هجران گناه تجربه کرد. مورد دیگر از نمونه‌های رحمت خدا، استعداد و قابلیت‌های ویژه‌ای است که خداوند به افراد پاکدامن عطا می‌کند: «ان تتقوا الله يجعل لكم فرقانا؛ اگر تقوا پیشه سازید و دامن خود را از آلودگی حفظ کنید به شما قدرت تشخیص داده خواهد شد». شیخ رجبعلی خیاط که یکی از عرفای عصر حاضر است، می‌گوید:

در ایام جوانی (حدود ۲۳ سالگی) دختری رعنا و زیبا از بستگان، دلباخته من شد و سرانجام در خانه‌ای خلوت مرا به دام انداخت. با خود گفتم: رجبعلی! خدا می‌تواند تو

را خیلی آسان امتحان کند، پس تو هم او را امتحان کن و از این حرام لذتبخش و آماده، به خاطر او صرف نظر نما! پس، به خدا عرض کردم: «خدایا! من از این گناه می‌گذرم، تو هم مرا برای خود تربیت کن.» این کفّ نفس و پرهیز از گناه، موجب بصیرت و بینایی من گردید و جهشی معنوی در زندگی‌ام ایجاد شد.

آری، او به جایی رسید که به تربیت الهی توانست در ملکوت عالم، حقایقی را مشاهده کند که دیگران از آن بی

اطلاعند. کشف و شهود باطنی‌اش موجب تربیت شاگردان فاضل و گران‌قدری شد که هر کدام منشأ خیری برای جامعه گشته‌اند.

۲. پاکی نسل و سلامت آن

در اسلام توصیه اکید بر به جا گذاشتن نسلی پاک و طاهر شده است و این قضیه بدون عفت و پاکدامنی زن و مرد

میسر نیست. تکثیر نسل، با ارضای غریزه جنسی به صورت غیر مشروع هم ممکن است؛ ولی آیا چنین نسلی می‌تواند حامل و انتقال دهنده میراث‌های عظیم بشر در عرصه‌های معنوی و علمی باشد؟ حضرت یعقوب علیه السلام ارضای غریزه جنسی را با ازدواجی پاک و سالم به فرزندش توصیه می‌کند: «زن بگیر، بدان امید که خداوند از او نسلی پدید آورد که زمین را با تسبیح خدا گران بار کند». یکی از دانشمندان عقیده دارد:

عفت فراوان زن، مسلماً خادم مقاصد توالد است؛ زیرا امتناع محجوبانه او کمکی به انتخاب جنسی است. عفت، زن را توانا می‌سازد که با جست و جوی بیشتری عاشق خود را؛ یعنی کسی را که افتخار پدری فرزندانش را دارد، برگزیند.

۳. شکوفایی استعدادها

یکی دیگر از جلوه‌های زیبای عفت ورزی را می‌توان در شکوفایی استعدادها و توانمندی‌های افراد مشاهده کرد. محیط سالم و پاک، زمینه فعالیت فکری و اخلاقی را برای مرد و زن فراهم می‌سازد. به ویژه در محافلی که پسر و دختر فعالیت مشترکی را دنبال می‌کنند، ضرورت وجود این خصلت مثبت بیشتر نمایان است. عفت، زمینه‌ساز توجه به

و ظایفی است که بر دوش فرد گذارده شده است، خیالات باطل را از دهن می‌زداید و بهره‌وری سعلی و تحصیلی را افزایش می‌دهد.

۴. تعالی عشق به همسر بی‌گمان آنجا که یک سلسله مقررات اخلاقی، از جمله عفت و تقوی بر روح مرد و زن حکومت کند و زن به عنوان موجودی گران‌بها دور از دسترس مرد قرار گیرد، عشق و محبت، بهتر به فعلیت می‌رسد و در مقابل، بدون این

ویژگی، در نهایت زن به ابتذال کشیده می‌شود و محبوبیتش را نزد مردان از دست می‌دهد. در این صورت، فداکاری، از خود گذشتگی و سوز و گدازی که موجب تمرکز قوای نفس به سوی محبوب و معشوق واقعی در زندگی مشترک است، رنگ می‌بازد.

۵. حفظ مناعت طبع و آرامش روان
آرامش خاطر و امنیت درونی، یکی دیگر از جلوه‌های زیبای عفت ورزی است. با این خصلت است که آدمی برای ارضای غریزه‌اش ناچار نمی‌شود عزت نفس و مناعت خود را دستخوش ذلت کند و با نگاه‌های آلوده و خیانت‌های فکری و عملی، با دلهره‌ها و ترس‌ها زندگی بگذراند. بر این اساس، اسلام به حفظ حدود و حرمت‌ها در روابط مرد و زن توصیه می‌کند. از نگاه دینی ما، توصیه به خودداری از نگاه حرام و حفظ حیا و عفت جنسی، همپایه رعایت حدود روابط، با رعایت پوشش کامل، میسر و قابل اجراست. نقل است:
مردی نابینا پس از اجازه خواستن وارد منزل علی علیه السلام شد. پیامبر مشاهده فرمود که حضرت زهرا علیها السلام برخاست و فاصله گرفت و خود را پوشاند. حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: دخترم! این مرد نابیناست. حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد: پدر جان، اگر چه او مرا نمی‌بیند، ولی من او را می‌بینم و او بوی زن را استشمام می‌کند. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: شهادت می‌دهم که تو پاره تن منی.

نویسنده : اکرم حسین‌زاده اصفهانی

منبع : راه بهشت

تیر ماه ۱۳۹۳